

سلطان عیسی

¹ روزی از آن روزها واقع شد هنگامی که او قوم را در معبد تعلیم و بشارت می‌داد که رؤسای کاهنه و کاتبان با مشایخ آمده،² به وی گفتند: به ما بگو که به چه قدرت این کارها را می‌کنی و کیست که این قدرت را به تو داده است؟³ در جواب ایشان گفت: من نیز از شما چیزی می‌پرسم. به من بگویید:⁴ نعمید یحیی از آسمان بود یا از مردم؟⁵ ایشان با خود اندیشیده، گفتند که: اگر گوئیم از آسمان، هرآینه گوید چرا به او ایمان نیاوردید؟⁶ و اگر گوئیم از انسان، تمامی قوم ما را سنگسار کنند زیرا یقین می‌دارند که یحیی نبی است.⁷ پس جواب دادند که نمی‌دانیم از کجا بود.⁸ عیسی به ایشان گفت: من نیز شما را نمی‌گویم که این کارها را به چه قدرت بجا می‌آورم.

مَثَلِ ناکستان و باغبانان

⁹ و این مَثَل را به مردم گفتن گرفت که: شخصی ناکستانی غرس کرد و به باغبانانش سپرده، مدت مدیدی سفر کرد.¹⁰ و در موسم، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا از میوهٔ باغ بدو سپارند. اما باغبانان او را زده، تهیدست بازگردانیدند.¹¹ پس غلامی دیگر روانه نمود. او را نیز تازیانه زده، و بی‌حرمت کرده، تهیدست بازگردانیدند.¹² و باز سومی فرستاد. او را نیز مجروح ساخته، بیرون افکندند.¹³ آنگاه صاحب باغ گفت: چه کنم؟ پسر حبیب خود را می‌فرستم شاید چون او را ببیند احترام خواهند نمود.¹⁴ اما چون باغبانان او را دیدند، با خود تفکرکنان گفتند: این وارث می‌باشد، بیا باید او را بکشیم تا میراث از آن ما گردد.¹⁵ در حال او را از باغ بیرون افکنده، کشتند. پس صاحب باغ بدیشان چه خواهد کرد؟¹⁶ او خواهد آمد و باغبانان را هلاک کرده، باغ را به دیگران خواهد سپرد. پس چون شنیدند گفتند: حاشا!¹⁷ به ایشان نظر افکنده، گفت: پس معنی این نوشته چیست: سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زایه شده است؟¹⁸ و هر که بر آن سنگ افتد خرد شود، اما اگر آن بر کسی بیفتد او را نرم خواهد ساخت؟¹⁹ آنگاه رؤسای کهنه و کاتبان خواستند که در همان ساعت او را گرفتار کنند، لیکن از قوم ترسیدند زیرا که دانستند که این مثل را دربارهٔ ایشان زده بود.

سلطان یسوع

¹ و فی أحد تلك الأيام إذ كان يُعَلِّمُ الشَّعْبَ فِي الْهَيْكَلِ وَبَشَّرَ وَقَفَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ مَعَ الشُّيُوحِ² وَكَلِمُوهُ قَائِلِينَ: قُلْ لَنَا، يَايُّ سُلْطَانٍ تَفْعَلُ هَذَا؟ أَوْ مَنْ هُوَ الَّذِي أُعْطَاكَ هَذَا السُّلْطَانَ؟³ قَاجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: وَأَنَا أَيْضًا أَسْأَلُكُمْ كَلِمَةً وَاحِدَةً فَقُولُوا لِي:⁴ مَعْمُودِيَّةُ يُوَحْنَّا مِنَ السَّمَاءِ كَانَتْ أَمْ مِنَ النَّاسِ؟⁵ فَتَأْمَرُوا فِيمَا يَبْتَهِمُ قَائِلِينَ: إِنْ قُلْنَا مِنَ السَّمَاءِ، يَقُولُ: قُلِمَاذَا لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ؟⁶ وَإِنْ قُلْنَا: مِنَ النَّاسِ، فَجَمِيعُ الشَّعْبِ يَرْجُمُونَنَا لِأَنَّهُمْ وَانْقُورَ يَايُّ يُوَحْنَّا نَبِيٍّ.⁷ قَاجَابُوا أَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَيْنَ.⁸ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: وَلَا أَنَا أَقُولُ لَكُمْ يَايُّ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا.

مثل الكرامين الأشجار

⁹ وَابْتَدَأَ يَقُولُ لِلشَّعْبِ هَذَا الْمَثَلُ: إِنْسَانٌ غَرَسَ كَرْمًا وَسَلَّمَهُ إِلَى كَرَّامِينَ وَسَافَرَ زَمَانًا طَوِيلًا.¹⁰ وَفِي الْوَقْتِ أَرْسَلَ إِلَى الْكَرَّامِينَ عَبْدًا لِكَيْ يُعْطُوهُ مِنْ ثَمَرِ الْكَرْمِ. فَجَلَدَهُ الْكَرَّامُونَ وَأَرْسَلُوهُ قَارِعًا.¹¹ فَقَادَ وَأَرْسَلَ عَبْدًا آخَرَ، فَجَلَدُوا ذَلِكَ أَيْضًا وَأَهَانُوهُ وَأَرْسَلُوهُ قَارِعًا.¹² ثُمَّ عَادَ فَأَرْسَلَ ثَالِثًا، فَجَرَّجُوا هَذَا أَيْضًا وَأَخْرَجُوهُ.¹³ فَقَالَ صَاحِبُ الْكَرْمِ: مَاذَا أَفْعَلُ؟ أَرْسَلُ ابْنِي الْحَبِيبَ، لَعَلَّهُمْ إِذَا رَأَوْهُ يَهَابُونَ.¹⁴ فَلَمَّا رَأَهُ الْكَرَّامُونَ تَأْمَرُوا فِيمَا يَبْتَهِمُ قَائِلِينَ: هَذَا هُوَ الْوَارِثُ، هَلِّمُوا تَقْتُلُوهُ لِكَيْ يَصِيرَ لَنَا الْمِيرَاثُ.¹⁵ فَأَخْرَجُوهُ خَارِجَ الْكَرْمِ وَقَتَلُوهُ. فَمَادَا يَفْعَلُ بِهِمْ صَاحِبُ الْكَرْمِ؟¹⁶ يَايُّ وَهَيْلِكَ هَؤُلَاءِ الْكَرَّامِينَ وَبُعْطِي الْكَرْمَ لِأَخْرَبِينَ. فَلَمَّا سَمِعُوا قَالُوا: خَاسًا.¹⁷ فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: إِذَا مَا هُوَ هَذَا الْمَكْنُوثُ: "الْحَجَرُ الَّذِي رَفَعَهُ التَّبَّاءُونَ هُوَ قَدْ صَارَ رَأْسَ الرَّابْوَةِ".¹⁸ كُلُّ مَنْ يَسْقُطُ عَلَى ذَلِكَ الْحَجَرِ يَتَرَصَّصُ، وَمَنْ سَقَطَ هُوَ عَلَيْهِ يَسْحَقُهُ.¹⁹ فَطَلَبَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ أَنْ يُلْقُوا الْأَيَادِي عَلَيْهِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَلِكَيْتَهُمْ خَافُوا الشَّعْبَ، لِأَنَّهُمْ عَرَفُوا أَنَّهُ قَالَ هَذَا الْمَثَلُ عَلَيْهِمْ.

ضريبة قيصر

²⁰ فَقَرَأْتُوهُ وَأَرْسَلُوا جَوَابِيِسَ يَتَرَاءُونَ أَنَّهُمْ أَبَرُّوا لِكَيْ يُمَسْكُوهُ بِكَلِمَةٍ، حَتَّى يُسَلِّمُوهُ إِلَى حُكْمِ الْوَالِي وَسُلْطَانِيَّةِ.²¹ فَسَيَّلُوهُ قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، نَعْلَمُ أَنَّكَ بِالْإِسْقَامَةِ تَتَكَلَّمُ وَتَعْلَمُ وَلَا تَقْبَلُ الْوُجُوهَ بَلْ بِالْحَقِّ تَعْلَمُ طَرِيقَ اللَّهِ، أَيجُوزُ لَنَا أَنْ نَعْطِيَ جَزِيَّةً لِقَيْصَرٍ أَمْ لَا؟²² فَشَغَرَ بِمَكْرِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا تُجَرِّبُونِي؟²⁴ أَرُونِي دِينَارًا، لِمَنِ الصُّورَةُ وَالْكِتَابَةُ؟ قَاجَابُوا وَقَالُوا:

جزیه قیصر

²⁰ و مراقب او بوده، جاسوسان فرستادند که خود را صالح می‌نمودند تا سخنی از او گرفته، او را به حکم و قدرت والی بسپارند.²¹ پس از او سؤال نموده، گفتند: ای استاد، می‌دانیم که تو به راستی سخن می‌رانی و تعلیم می‌دهی و از کسی روداری نمی‌کنی، بلکه طریق خدا را به صدق می‌آموزی.²² آیا بر ما جایز هست که جزیه به قیصر بدهیم یا نه؟²³ او چون مکر ایشان را درک کرد، بدیشان گفت: مرا برای چه امتحان می‌کنید؟²⁴ دیناری به من نشان دهید. صورت و رقمش از کیست؟ ایشان در جواب گفتند: از قیصر است.²⁵ او به ایشان گفت: پس مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا.²⁶ پس چون نتوانستند او را به سخنی در نظر مردم ملزم سازند، از جواب او در عجب شده، ساکت ماندند.

قیام مردگان

²⁷ و بعضی از صدوقیان که منکر قیامت هستند، پیش آمده، از وی سؤال کرده، گفتند: ای استاد، موسی برای ما نوشته است که اگر کسی را برادری که زن داشته باشد بمیرد و بی‌اولاد فوت شود، باید برادرش آن زن را بگیرد تا برای برادر خود نسلی آورد.²⁹ پس هفت برادر بودند که اوّلی زن گرفته، اولاد نآورد، فوت شد.³⁰ بعد دومین آن زن را گرفته، او نیز بی‌اولاد بمرد.³¹ پس سومین او را گرفت و همچنین تا هفتمین و همه فرزندان نآورد، مردند.³² و بعد از همه، آن زن نیز وفات یافت.³³ پس در قیامت، زن کدام یک از ایشان خواهد بود، زیرا که هر هفت او را داشتند؟³⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: ابنای این عالم نکاح می‌کنند و نکاح کرده می‌شوند.³⁵ لیکن آنانی که مستحق رسیدن به آن عالم و به قیامت از مردگان شوند، نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند.³⁶ زیرا ممکن نیست که دیگر بمیرند از آن جهت که مثل فرشتگان و پسران خدا می‌باشند، چونکه پسران قیامت هستند.³⁷ و اما اینکه مردگان برمی‌خیزند، موسی نیز در ذکر بوبه نشان داد: چنانکه خداوند را خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب خواند.³⁸ و حالانکه خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است. زیرا همه نزد او زنده هستند.³⁹ پس بعضی از کاتبان در جواب گفتند:

²⁵ فَقَالَ لَهُمْ: اَعْطُوا إِذَا مَا لِقَبْصَرٍ لِقَبْصَرٍ وَمَا لِلَّهِ. ²⁶ قَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُمَسْكُوهُ بِكَلِمَةٍ قُدَّامَ الشَّعْبِ، وَتَعَجَّبُوا مِنْ جَوَابِهِ وَسَكَنُوا.

حقیقه قیامت الأموات

²⁷ وَخَصَّرَ قِيَوْمٌ مِنَ الصَّدُوقِيِّينَ الَّذِينَ يُقَاوِمُونَ أَمْرَ الْقِيَامَةِ وَسَأَلُوهُ ²⁸ قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، كَتَبَ لَنَا مُوسَى: "إِنْ مَاتَ لِأَخٍ أَحٌ وَلَهُ امْرَأَةٌ وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ يَأْخُذُ أَخُوهُ الْمَرْأَةَ وَيُقِيمُ نَسْلًا لِأَخِيهِ". ²⁹ فَكَانَ سَبْعَةُ إِخْوَةٍ، وَأَخَذَ الْأَوَّلُ امْرَأَةً وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ. ³⁰ فَأَخَذَ الثَّانِي الْمَرْأَةَ وَمَاتَ بَعِيرٌ وَلَدٌ. ³¹ ثُمَّ أَخَذَهَا الثَّلَاثُ وَهَكَذَا السَّبْعَةُ، وَلَمْ يَتْرُكُوا وَلَدًا وَمَاتُوا. ³² وَأَخَّرَ الْكُلُّ مَاتَتِ الْمَرْأَةُ أَبْضًا. ³³ فَفِي الْقِيَامَةِ، لِمَنْ مِنْهُمْ تَكُونُ زَوْجَةً؟ لِأَيِّهَا كَانَتْ زَوْجَةً لِلْسَّبْعَةِ. ³⁴ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: أَتَبْنَأُ هَذَا الدَّهْرَ يُرَوِّجُونَ وَيُرَوِّجُونَ، وَلَكِنَّ الَّذِينَ حُسِبُوا أَهْلًا لِلْخُصُولِ عَلَى ذَلِكَ الدَّهْرِ وَالْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ لَا يُرَوِّجُونَ وَلَا يُرَوِّجُونَ، إِذْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَمُوتُوا أَيْضًا لِأَنَّهُمْ مِثْلُ الصَّلَايِكَةِ وَهُمْ أَتْنَاءُ اللَّهِ إِذْ هُمْ أَتْنَاءُ الْقِيَامَةِ. ³⁷ وَأَمَّا أَنْ الْمَوْتَى يُقُومُونَ، فَقَدْ دَلَّ عَلَيْهِ مُوسَى أَيْضًا فِي أَمْرِ الْوَلَدَةِ كَمَا يَقُولُ: "الرَّبُّ إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَهُ إِسْحَاقَ وَإِلَهُ يَعْقُوبَ". ³⁸ وَلَيْسَ هُوَ إِلَهُ أَمْوَاتٍ بَلْ إِلَهُ أَحْيَاءٍ لِأَنَّ الْجَمِيعَ عِنْدَهُ أَحْيَاءٌ. ³⁹ فَأَجَابَ قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ وَقَالُوا: يَا مُعَلِّمُ، خَسَنًا قُلْتَ. ⁴⁰ وَلَمْ يَتَجَاسَرُوا أَيْضًا أَنْ يَسْأَلُوهُ عَنْ شَيْءٍ.

المسيح سيد داود الملك

⁴¹ وَقَالَ لَهُمْ: كَيْفَ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَسِيحَ ابْنُ دَاوُدَ؟ وَدَاوُدُ نَفْسُهُ يَقُولُ فِي كِتَابِ الْمَزَامِيرِ: "قَالَ الرَّبُّ لِرَبِّي: اجْلِسْ عَنْ يَمِينِي حَتَّى أَصْغَعَ أَعْدَاءَكَ مَوْطِنًا لِقَدَمَيْكَ". ⁴⁴ فَإِذَا دَاوُدُ يَدْعُوهُ رَبًّا، فَكَيْفَ يَكُونُ ابْنَهُ؟

الحذر من التأموسيين

⁴⁵ وَفِيمَا كَانَ جَمِيعُ الشَّعْبِ يَسْمَعُونَ قَالَ لِتَلَامِيذِهِ: ⁴⁶ اخْذُوا مِنَ الْكُتْبَةِ الَّذِينَ يَرْتَعِبُونَ الْمَسِيَّ بِالْطَّبَائِلَةِ وَيُجْبُونَ التَّجَبَّاتِ فِي الْأَسْوَاقِ وَالْمَجَالِسِ الْأُولَى فِي الْمَجَامِعِ وَالْمُتَكَاتِ الْأُولَى فِي الْوَلَائِمِ، ⁴⁷ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بُيُوتَ الْإِرَامِلِ وَلَيْلَةً يُطِيلُونَ الصَّلَوَاتِ، هَؤُلَاءِ يَأْخُذُونَ دَيْتُونَهُ أَعْظَمَ.

ای استاد، نیکو گفتمی.⁴⁰ و بعد از آن هیچ کس جرأت آن نداشت که از وی سؤال کند.

داود و مسیح

⁴¹ پس به ایشان گفت، چگونه می گویند که مسیح پسر داود است⁴² و خود داود در کتاب زبور می گوید، خداوند به خداوند من گفت به دست راست من بنشین⁴³ تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم؟⁴⁴ پس چون داود او را خداوند می خواند، چگونه پسر او می باشد؟

هشدار عیسی علیه معلمین شریعت

⁴⁵ و چون تمامی قوم می شنیدند، به شاگردان خود گفت:⁴⁶ بیرهزید از کاتبانی که خرامیدن در لباس دراز را می پسندند و سلام در بازارها و صدر کنایس و بالا نشستن در ضیافت ها را دوست می دارند.⁴⁷ و خانه های بیوه زنان را می بلعند و نماز را به ریاکاری طول می دهند. اینها عذاب شدیدتر خواهند یافت.